

دکتر سیروس برادران شکوهی*

نگاهی گذرا بر تاریخچه سیم تلگراف در ایران و نقش آن در بیداری مردم و نهضت مشروطه

چکیده:

هیچ حادثه تاریخی بدون مقدمه و زمینه به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه هر واقعه‌ای بر بنیاد پدیده‌های گوناگون، شکل می‌گیرد؛ بیداری ایرانیان و نهضت مشروطه ایران هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده است. از جمله عوامل و پدیده‌هایی که زمینه‌ساز آگاهی و نهضت گردید، علاوه بر وقوع جنگهای ایران و روسیه و شکست دولت ایران در این جنگها و تأثیر مؤسسات تمدنی جدید از قبیل مطبوعات، مدارس، معاشرت و مؤانست با اروپاییها و... یکی هم نقش سیم و خطوط تلگرافی بوده است، موردی که در قیاس با سایر پدیده‌ها کمتر مورد توجه محققان و دست‌اندرکاران تاریخ معاصر قرار گرفته است.

در مقاله حاضر سعی شده است ضمن روشن ساختن عوامل بیداری ایرانیان با استفاده از منابع دست اول و نظر مردان بزرگ سیاسی و اجتماعی، نظری افکننده شود به تاریخچه تاسیس خط تلگراف و تأثیر آن در ایجاد امنیت و آرامش ایران دوره قاجار و مطالعه سیر آن در خلال گفته‌ها و روزنامه‌های خارجی و داخلی تاریخ معاصر ایران. در بخشی از مقاله ضمن اشاره به کرونولوژی تأسیس تلگرافخانه و معرفی اولین شهرهایی که دارای خطوط تلگرافی شده‌اند چون تهران و تبریز و تأثیر آن در دوره مشروطیت، نویسنده مقاله ضمن تأکید بر حوادث مشروطه در تبریز و انعکاس سرخط بعضی از تلگرافها در آن هنگامه، موضوع را با نشان دادن آخرین پاسخ تبریزیها به دربار به پایان می‌برد. آخرین تلگرافی که حاکی از رساندن پیامهای تلگرافی به تبریز جهت صدور دستور تلگرافی برای مهاجمان و سردسته قوای دولتی به منظور برداشت محاصره تبریز و اجازه ورود آذوقه به شهر و پاسخ تبریزیان که: «... درینا از این تلگرافات چه سود توانست بود الان خبر بدبختی غیرمتوقع رسید مذلت بر سر مملکت پیخته شد... خبر تلگرافی رسید که قشون روس از سرحد گذشت...»

... بیداری ایرانیان پیامد انقلاب بورژوازی غرب بود که آن خود پیامد انقلاب صنعتی در اروپاست. در ایران این دگرگونی در کتب و نوشته‌های وقایع‌نگاران و کتابهای توصیفی حداقل از یک صد سال پیش به عنوان تجدد، اصلاح طلبی، علم و دانش، تمدن غرب و... مطرح شده، همه حرکت‌های مترقیانه ایرانیان را نتیجه آگاهی و نفوذ این عوامل دانسته‌اند و بیداری از خواب قرون

وسطایی را جز پذیرش و هماهنگی با آن ندیده‌اند و چنان شیفته و مفتون «تمدن جدید» شده‌اند که هیچ درصدد چند و چون آن برنیامده و به بررسی و تحلیل جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آن نپرداخته‌اند. هدف یکی بود و آن استقبال و خوشامدگویی به پیکی بود که از غرب فرامی‌رسید، بی هیچ تصویری از انگیزه سیاسی و بهره‌کشی چنین پیکی!

بزرگان تنها نوید می‌دادند. سیدجمال‌الدین، نداگر بیداری ملل اسلامی ندا می‌داد که: «سیل تجدد و اصلاح با کمال سرعت به طرف مشرق جاری می‌باشد»^۱ میرزا ملکم‌خان نویسنده و ناشر روزنامه «قانون»^۲ اخذ و اجرای قانون غرب را اعلام می‌کرد. سید حسن تقی‌زاده از کوشندگان صدرمشروطه ایران معتقد به: «اخذ بدون تصرف تمدن فرنگی»^۳ بود! «سیل تجدد» از نیمه دوم سده نوزدهم از ولایات جنوب و شمال بخصوص آذربایجان جریان یافته باعث رویش نهال آگاهی و آزادی ایرانیان شده است. اما این امر نیز پوشیده نیست که در بیداری ایرانیان از جمله عوامل متعدد سیم تلگراف و شعبه‌های تلگرافخانه نیز نقشی ایفا کرده است.

نوشته‌اند: «هرگاه این سیم برقی نبود، ملت ایران نیز مثل سابق در همان خواب خوش شرقی تا امروز آرمیده بود و در حال سستی و خمودگی، آرام و بدون سر و صدا امرار حیات نموده رو به زوال می‌رفت و با اینکه مانند سایر ممالک شرقی از قبیل ممالک پادشاهی و خانی صدای شیور سپاهیان امپراطور مسکوک از میان گوش آنها به صدا درمی‌آمد آنها را از خواب خوش شرقی بیدار می‌نمود، و دیگر چه سود، در این هنگام می‌بایست ملل اروپا هم دعوت شده در تشریفات تشییع جنازه شرکت کنند. اما سیم تلگراف ایران را به دول اروپایی مربوط ساخت و ملت ایران را یکی از اعضای ملل عالم قرار داد و سبب شد که

اروپا نسبت به این مملکت دور افتاده که تا آن زمان خیلی کم از آن شنیده می‌شد بسیار چیزها بداند و بشنود»^۴

قبل از ایجاد سیم تلگراف، اطلاع از ایران تنها به این منحصر می‌شد که: «ملت فعلی ایران اخلاف از کار افتاده و فاسد شده ملت سلحشور ادوار درخشان و با عظمت کوروش و داریوش می‌باشند»^۵ اما بعد از ایجاد سیم «با آن سرشت عالی که ملت ایران داراست به کسب آنها اقدام و به مرور شروع به تقلید از آنها کردند»^۶ در تأثیر ایجاد سیم تلگراف و شناسایی ایران در غرب همین بس که ادعا شده: «در حقیقت از سال ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م است که مملکت و ملت ایران در اروپا معروف شده و در صحنه حیات بین‌المللی مانند یک شخص معین شناخته شده است»^۷

از نظر داخلی نیز دستیابی و گذر از آن همه موانع طبیعی و سرزمینهای کوهستانی و سواحل جنگلی و بلند شدن صدای دلنشین آژیر قطارها و... ممکن نبود جز به برکت ایجاد و تاسیس تلگرافخانه؛ از طرفی مملکت سخت به اداره و اجرای قوانین و دستورهای مرکز نیازمند بود و این امور با آن تشکیلات سنتی کشور در نیمه دوم قرن نوزدهم غیر ممکن می‌نمود. دیگر استفاده از کبوتر نامه‌بر، نامه‌رسان دیررس، چارواکارهای مکاری عهد قدیم سپری شده بود و تمشیت امور با این وسایل قرون وسطایی حل و فصل نمی‌گردید. این تلگراف بود که در اندک زمانی مرکز حکمرانی را قادر می‌ساخت که احکام و اوامر خود را به دورتادور کشور خبر دهد و امنیت مالی و نظامی و تجاری و... را برقرار ساخته، و در جریان رویدادها قرار گیرد.

دوش به دوش فعالیت شرکت «تلگرافات» اهمیت آن نمایان می‌شد و تلگرافخانه انگاره‌ای از اماکن مقدس و هاله‌ای از بهت و تعجب در ذهن و

افکار مردم به وجود می‌آورد. مردمی که همیشه در «خواب خوش شرقی» و در رویای افسانه‌هایی چون «هزار و یک شب» و «جام جم» و «قالیچه سلیمان» و... به سر برده‌اند اکنون به چشم خود می‌دیدند که پاسخ سفارشات خود را نه در چندین ماه و روز که در عرض ساعاتی دریافت می‌دارند! بخصوص در ایلات و عشایر مأموران انگلیسی تلگرافخانه با اطلاع مختصری که از طبابت داشتند به معالجهٔ ناخوش‌ها و به دادن دواهای مجانی نیز اقدام می‌کردند این بود که تلگرافخانه به منزلهٔ اماکن متبرکه مورد توجه قرار گرفتند! اگر در گذشته اصطبل دربار و خانها و... پناهگاه مظلومان و ستمکشان بود به قول لرد کرزن^۹: «اغلب اوقات اشخاص مظلوم و آنهایی که در تحت فشار و تعدی منتقدین واقع می‌شدند فرار کرده به تلگرافخانهٔ انگلیس پناهنده می‌شدند و از تجاوزات مصون بودند. حال تلگرافخانه‌های انگلیس حکم یک بست ایمنی را پیدا کرده‌اند. صاحب منصبان عالی درجهٔ تلگرافخانه‌ها در شهرهای بزرگ حکم مشیر و مشار، را پیدا نموده‌اند که حکام و شاهزادگان محل، آنها را طرف شور و مشورت قرار می‌دهند»^۹ و به قول مؤلف تاریخ ایران: «... عوام خیال کردند که سیم‌های تلگراف در پای سریر شاه در قصر سلطنتی خاتمه می‌یابد»^{۱۰}

تاسیس سیم‌های تلگرافی به نظر عده‌ای بازتاب فشار احتیاجات زندگی و یا پیشرفت علم و دانش جدید در ایران نبود به قول محمود محمود به نقل از لرد کرزن: «کشیدن مملکت ایران در دایرهٔ رشته‌های تلگرافی و ایجاد این اختراع حیرت‌انگیز هیچ دلیلی نداشت جز اینکه وضعیت جغرافیایی مملکت ایران طوری بود که آن را به سعادت داشتن چنین مؤسسهٔ سودمندی نایل گردانید. هرگاه قلمرو شهریار ایران در سر راه مملکت وسیع هندوستان واقع نشده بود که دولت انگلیس بدان محتاج باشد این مملکت می‌بایست سالهای متمادی در

انتظار داشتن سیم تلگرافی بماند»^{۱۱}

علی‌رغم ذهنیات لردان انگلیسی این نیاز متقابل ملل و قانونمندی شرایط زندگی اجتماعی انسانهاست که به توسط هم نیازهای خویشترن را برطرف و شرایط سهل و پیشرفته حیات را ممکن می‌سازند. اگر موضع جغرافیایی ایران، نیاز انگستان را در دسترسی سریع به هند جهت آگاهی از شورشهای مردم به پاخاسته هند مانند شورش بزرگ ۱۲۷۶ق/۱۸۵۹م برطرف می‌سازد! طبیعتاً این حق را نیز خواهد داشت که از مزایای: «وضعیت جغرافیایی» مملکت خود در رفع نیازمندی مخابراتی داخل و خارج کشورش بهره‌مند گردد و اگر زمامداران آن روز کشور، مردان آگاه و درستکار و دلسوز و آشنا به مسایل و سیاست بین‌المللی بودند از این «وضعیت استثنایی مملکت» بیش از پیش بهره می‌بردند. افسوس که یک عده سرجنبانان بریده از ملت و وابسته به بیگانه آنچه مورد نظر دول استعمارگر بود چشم بسته می‌پذیرفتند و رفتارشان جز این نبود که به قول حاج میرزا آقاسی: «ما از آب شور چه می‌خواهیم»^{۱۲}! و چنین ساده‌لوحانه به مصالح عالیته ملت و وطن پشت پا می‌زدند.

کرنولوژی تاریخی تاسیس تلگرافخانه‌ها و سیم‌های مربوط از دیدگاه وقایع‌نویسان عهد ناصری به اعتبار اهمیت و ضرورت و موقعیت محل به شرح ذیل است:

۱- ۱۲۷۴ق/۱۸۵۷م*، نمونه تلگراف از عمارت سلطنتی شهر تهران

به باغ لاله‌زار.

۲- ۱۲۷۵ق/۱۸۵۸م، ایجاد و امتداد تلگراف از دارالخلافه قاهره الی عمارت سلطانیه و از آنجا تا تبریز به مباشرت نواب اعتضادالسلطنه.^{۱۳}

۳- ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م، از شهردارالخلافه (تهران) به شمیران.

۴- ۱۲۷۹ق/۱۸۶۲م، از دارالخلافه تا گیلان.

۵- ۱۲۸۰ق/۱۸۶۳م، از سرحد ارس تا بندر بوشهر و...

تبریز از جهت موقعیت سوق الجیشی و ولیعهدنشینی و قرارگرفتن در سر راه بازرگانی ممالک خارجی بخصوص با شهرهای باکو، تفلیس، استانبول، برلین و... بعد از دارالخلافه تهران، دومین شهری است که در ۱۲۷۵ق دارای تلگرافخانه می‌شود.

تلگرافخانه در دوره مشروطیت

بهد از مشروطه، تلگرافخانه مفهوم خاص سیاسی پیدا می‌کند. این زمان است که سیمهای آن نه در پای سریر تخت شاهی، بل در پای مجلس شورای ملی و نمایندگان مردم شهرها خاتمه می‌یابد. تلگرافخانه محل تجمع و تحصن و امیدگاه مردم مبارز می‌گردد. نقشی که تلگراف و تلگرافخانه در نهضت مشروطه به عهده می‌گیرد دست کم از انجمنهای «حقیقت»^{۱۴} و «ایالتی و ولایتی»^{۱۵} نیست. «تاریخ مشروطه ایران»، «بلوای تبریز» به قلم حاج محمد باقر ویجویه‌ای، روزنامه‌ها، اعلامیه‌ها، انتباه نامه‌ها و... پر از گفتگو درباره تلگرافخانه، تجمع مبارزان و رهبری نهضت بخصوص اعضای انجمن ایالتی و ولایتی و مذاکرات آنها با تهران، ارسال تلگرافها به شهرهایی چون اسلامبول، نجف اشرف، بلاد «محترمه فرنگی» و... است.^{۱۶}

دقیقا" در ۱۸۱ شماره موجود روزنامه «انجمن» ارگان انجمن ایالتی و ولایتی تبریز، شاهد دویمت و اندی تلگراف رد و بدل شده بین تبریز و سایر نقاط داخلی و خارجی هستیم. حضرت استادی زنده یاد دکتر محمد اسماعیل رضوانی^{۱۷} بحق نوشته اند که: «بهترین مطالب انجمن، تلگرافهایی است طولانی و مفصل که بین وکلای آذربایجان در تهران و نمایندگان انجمن تبریز مبادله می شده است»^{۱۸}

تلگرافخانه تبریز

در نهضت مشروطه، اغلب شهرهای خرد و بزرگ ایران را زیر پوشش خبری خود داشت. علاوه بر داخل با شهرهایی چون اسلامبول، لندن، کلکته، بمبئی، نجف، باکو، تفلیس، پتروگراد، برلین و... نیز رابطه تلگرافی داشت. سالهای سال حداقل از نهضت مشروطه تا واقعه شوم عاشورای ۱۳۳۰ ه.ق. غم و شادی و رویدادها و تاریخ مقاومت تبریزیها در سیم تلگراف بازتاب می یافت. چه روزها و هفته ها و ماهها که در پای سیم تلگراف و تلگرافخانه به سر نبردند. چه هیجانها و تأثراتی که از تبادل تلگرافها دست نداد؟ کاش ممکن بود که از تلگرافهای مبادله شده تقسیم بندی صورت می گرفت. کار به جایی کشید که مردم حتی به سیم های تلگراف دلسوزی نشان می دادند! و از عدم توجه همایونی که پی و نی استخوانپایش از سیم و تیرهای تلگراف نیز منجمدتر بود شکوه سرمی دادند! شاعری در قطعه شعری تحت عنوان: تیلغراف سیم لری یورولدی* ملت قانی هیجانه گلدی^{۱۹}. خواستار نابودی استبداد و توجه شاه به خواسته های مردم گردید و هشدار داد که نهضت حتی در نوزادان شیرخواره نیز اثر گذاشته و نوباوگان با دل خونین، پرچم سرخ انقلاب به دوش بر تمامی قوانین سنتی پوسیده

استبدادی خط بطلان می‌کشند و آماده قربانی و جان‌بازی در راه وطن‌اند.

تلگرافخانه تبریز مرکز ثقلی بود که اخبار و وقایع و رویدادها را از اقصی و اکناف کشور به سایر شهرها می‌رساند و رهنمودها و مشورت‌های ضروری را ممکن می‌ساخت. هر تلگرافی حامل خبری بود. شهری چشم یاری از مبارزان داشت. شهری دست یاری دراز می‌کرد. انجمنی نوید پیروزی می‌داد. کمیته‌ای از حمله و هجوم و کشت و کشتار مرتجعان و مستبدان ناله داشت. سازمانی خبر می‌داد که صدای مشروطه‌طلبان بر ضد مظالم درباریان بلند است. شهری حرکت قسمت بزرگی از قشون موجودی را جهت فتح تهران مخابره می‌کرد. شهرکی از هیجان مشروطه‌طلبان، حرکات مخالفانه، تعطیلی بازار و دکانها حتی خبازخانه‌ها آگاهی می‌داد. شهری دیگر از نظم شهر و اطراف و ضرب شست مجاهدان و فدائیان ملت سخن می‌گفت. در تلگرافی هیأت رئیسه مجلس افتتاح نخستین جلسه شورای ملی را خبر می‌داد و حرکت سریع نمایندگان شهرستانها را تقاضا می‌کرد و در پیام دیگری خبر تأسف‌انگیز خرابی و به توپ بستن مجلس و پراکندگی نمایندگان و شهادت مبارزان را و...

از چنین آگاهیها بود که مدافعان تبریز اندیشمندانه موضع می‌گرفتند و دست رد بر سینه دول استعمارگر روس و انگلیس و دست‌نشانندگان مزدور داخلی‌شان می‌زدند.

ورود قوای روسیه به تبریز

با ورود قوای روسیه به کشور و پیشروی آنها به سوی آذربایجان مصالح وطن و نهضت و انقلابیون ایجاب می‌کرد که مبارزان و ملیون در مواجهه با وضع ناگوار تازه، موضع تازه‌ای اتخاذ کنند، لذا به اقدامات جدیدی از جمله به

ارسال تلگرافها به شاه و سردمداران تهران مبادرت ورزیدند و در تلگرافی درخواست صدور دستورهایی در جهت بازشدن راه خواربار و ممانعت از ورود سپاهیان متجاوز روس به خاک ایران شدند...

دریفا از این تلگرافها چه سود توانست بود؟ در همان هنگام که سیم تهران این پیامها را می‌رسانید سیم جلفا نیز پیام دیگری می‌آورد: «سپاهیان روس از پل گذشتند»^{۲۱} وطن‌دوستان و عدالتخواهان تبریز این پیام را به تهران فرستادند: «الان خبر بدبختی غیر متوقع و خاک مذلت به سر مملکت بیخته شد... مفرضین ملک و ملت به سلامت باشند تمام الحاحات برای این بود که بلا نازل نگردد. الان خبر تلگرافی رسید که قشون روس از سر حد گذشت. تا حال سیصد و پنجاه نفر گذشته و مشغول لشکرکشی اند...»^{۲۲}

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- «سبیل تجدد و اصلاح با کمال سرعت به طرف مشرق جاری می‌باشد» سایکس، پرس (سر، ژنرال)، تاریخ ایران، ج ۲، ج ۲، مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، تهران، ۱۳۳۵ خورشیدی، ص ۸۷۵.
- ۲- قانون (روزنامه): میرزا ملکم خان برای نشر افکار خود و مجمع آدمیت در سال ۱۳۰۷/ق ۱۸۸۹م روزنامه را در لندن به طور ماهانه منتشر کرد. این روزنامه در «دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمره ۳۸ در لندن چاپ می‌شد و محل توزیع آن در ایران در تهران و تبریز کتابخانه تربیت بود. روزنامه به قطع وزیری و شماره اول آن یک عباسی و شماره دوم یک لیره و به تدریج یک ذره شعور و «فهم کافی» و یک ذره «غیرت» بود» قانون (روزنامه)، میرزا ملکم خان به کوشش و با مقدمه ناطق؛ هما، امیرکبیر، ج ۱، تهران، ۱۳۵۵ش، مقدمه.
- ۳- تقی‌زاده حسن (سید)، «نکات و ملاحظات»: «... ایرانیان خیال می‌کنند که آنها در گذشته یک تمدنی عالی و درخشان مانند یونان داشته‌اند. وقتی که حقایق علمیه و تاریخی مثبت در جلو نظر آنها گذاشته شود خواهند دید که ایران به علم و ترقی دنیا کمک خیلی زیادی نکرده و مانند همه ملل در اغلب آنچه هم که داشته مدیون تمدن و علم یونان - آن سرزمین معرفت و فیض - بوده است. رک‌به: «افلاس مُشرف و شکست مغرور»، کاوه، ش ۷، س ۵، ش ۴۲، غزه ذی‌القعدة سنه ۱۳۳۸هـ/ق ۱۹۲۰م (۱۷ ژانویه)، ص ۲.
- ۴، ۵، ۶، ۷- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ج ۳، ج ۳، اقبال، تهران، ۱۳۴۴ش، ص ۴-۷۹۳.

8- George N. Curzon

۹- محمود، محمود، منبع پیشین، ص ۷۹۵.

- ۱۰- سایکس، پرسی (سر، ژنرال)، تاریخ ایران، همان مأخذ، ص ۵۷۶.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۷۸۶.
- ۱۲- «ما به مشتی آب شور، کام شیرین دوست را تلخ نمی‌کنیم» آقاسی، مهدی، تاریخ خوی، ج ۱، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، تبریز، مهرماه ۱۳۵۰، ص ۲۶۱.
- ۱۳- شاهزاده علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه پسر پنجاه و چهارم از زن پنجاه و دوم فتحلیشاه قاجار مادرش اصلاً از ارامنه تفلیس (لکن معروف به گرجی بوده) می‌باشد. از افاضل شاهزادگان قاجار و مردی با ذوق و صاحب تالیفاتی چند که در حدود ۱۲۳۴ هجری قمری متولد شد و در شب عاشورای سال ۱۲۹۸ ق. در تهران درگذشت و در حضرت عبدالعظیم (شهر ری) به خاک سپرده شد. رک‌به: بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران قرون ۱۲-۱۳-۱۴، ج ۲، ج ۱، تهران، ۱۳۴۷ خورشیدی، ص ۴۴۲.
- ۱۴- «بر اثر اختلاف در بین مردم اشخاص بصیر از عاقبت امر اندیشناک [شده]، اغلب اوقات خود را در تزیید عده انجمنهای ملی صرف می‌کردند و در هر محله انجمنی به اسامی مختلف دایر می‌کردند از جمله انجمن حقیقت توسط عده‌ای از جمله حسین آقا فشنگچی، میرزا محمود اسکویی، حاج اسماعیل امیرخیزی تشکیل شد که بالاخره مرکز عملیات ستارخان، و سایر مجاهدین گردید و خود ستارخان نیز عضویت افتخاری این انجمن را داشت.» نک: امیرخیزی، اسماعیل، قیام آذربایجان و ستارخان، ج ۲، تبریز، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۰.
- ۱۵- بعد از صدور فرمان مشروطیت در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق و امضای نظامنامه انتخابات، قانون تشکیل انجمنها از نخستین لوایحی بود که مجلس آن را تصویب کرد. این انجمنها برای نظارت بر صحت انتخابات نمایندگان مجلی اول به وجود آمدند. انجمنهای ایالتی و ولایتی در واقع به عنوان نماینده دولت مرکزی فعالیت می‌کردند. وظایفی چون نظارت بر

انتخابات، رسیدگی به شکایات و جمع‌آوری مالیات بر عهده آنان بود. انجمنهای ایالات ۱۲ نفر و انجمنهای ولایات ۶ نفر عضو داشتند که در ماده ۴ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی تصریح شده بود. رک به: انجمن (روزنامه)، ارگان انجمن ایالتی آذربایجان، منصوره رفیعی، نشر تاریخ ایران، تهران، پاییز ۱۳۶۳ش، ص ۲۷.

۱۶- برای آگاهی از چون و چند کتاب: «بلوای تبریز» رک به: بلوای تبریز، یادداشتهای حاج محمد باقر ویجویه‌ای به کوشش علی کاتبی، تبریز، چ ۱، مهرماه ۱۳۴۸.

۱۷- استفاده از مطبوعات را، در تحقیقات تاریخی و اجتماعی و مطالعه و بررسی مطبوعات و جراید را در چهار دهه اخیر، مدیون دانشمند معظم شادروان دکتر محمد اسماعیل رضوانی هستیم. حضرت استادی مجموعه ذی قیمتی از مطبوعات را در مخزن کتابخانه شخصی خویش داشتند که کسانی چون محمد علی تربیت، پرفسور براون، محمدصدرهاشمی و... دارا نبودند و بر خلاف ضنت شدیدی که بعضی‌ها حتی در مجرد نام بردن و نشان دادن کتابی از خود به غیر داشتند و دارند آن مرحوم علاقه بی حد و حصری در معرفی و ارائه مجموعه‌های نفیس خویش به دانشجویان و طلاب علوم و محققین نشان می‌دادند و خود نیز مقالات ارجدار بسیاری در این مقوله تحت عنوان «سیری در نخستین مطبوعات ایران» در معرفی و شناسایی روزنامه‌های قدیمی طبع و توزیع کرده‌اند.

۱۸- رضوانی، محمد اسماعیل (دکتر)، سیری در نخستین روزنامه‌های ایران، به نقل از شماره ۴۰۳ مجله بررسی‌های تاریخی، س ۲، ۱۳۴۷ش، ص ۶۴.

۱۹- سیمهای تلگراف خسته شد * خون ملت به جوش آمد.

۲۰، ۲۱- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، چ ۵، امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۰ش،



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی